



نویسنده: زرنودی رحمانی*

چوادر: زرنودی**

چکیده

قرآن کریم، کلام آسمانی و وحیانی و معجزه ماندگار الهی و حجت خداوند به شمار می‌آید.

شناخت همه جانبه این کتاب آسمانی و بهره‌مندی کامل از آن در تمام عرصه‌های زندگی، نیازمند تفسیر و تبیین از سوی قرآن‌شناسان است. به همین علت پیامبر اسلام (ص) در مناسبت‌های مختلف با بیانات گوناگون (از جمله حدیث ثقلین)، اهل بیت (ع) را هم‌عدل قرآن و به عنوان دو گوهر گرانبها در میان امت مسلمان معرفی کرد. قرآن بدون عترت و عترت بدون قرآن نمی‌تواند به غرض و فلسفه وجودی خود دست یازد. از این رو امام باقر (ع)، معارف ناب اسلامی را با تبیین آیات نورانی قرآن کریم به مردم ارائه می‌کردند و در مقابل جریان‌های مختلف فکری و سیاسی که سعی در منحرف ساختن اذهان مردم داشتند، با استدلال‌های قوی از آیات قرآنی، موضع‌گیری می‌نمودند. در این مقاله بر آنیم که بخش‌های مختلفی از سخنان این امام بزرگوار را که به توصیف قرآن پرداخته است، مورد بررسی قرار دهیم.

کلیدواژه: امام باقر (ع)، قرآن، اهل بیت (ع)، روایات.

*. پژوهشگر علوم دینی، کارشناسی ارشد مدیریت.

** کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث.

مقدمه

پیوستگی قرآن و عترت و نقش هماهنگ آن دو در دستیابی جامعه بشری به بینش های صحیح و منش های ارزشی، بر اساس دلایل معتبر شرعی و ملاک های عقلی و تجربی، مجال انکار ندارد.^۱

سفارش مهم پیامبر (ص) است که می فرماید: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ، كِتَابَ اللَّهِ وَ عَترَتِي أَهْلَ بَيْتِي وَ إِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضِ وَ إِنَّكُمْ لَنْ تَضِلُّوا إِنْ اتَّبَعْتُمْ وَ اسْتَمْسَكْتُمْ بِهِمَا».^۲

ارتباط میان عترت و قرآن دو سویه است. از یک سو قرآن اهل بیت را والاترین انسان ها معرفی می کند و از سوی دیگر آگاه ترین انسان ها به معارف و حقایق قرآن، اهل بیت (ع) می باشند. امام باقر (ع) پنجمین آفتاب امامت است که در زمانی که بحران ها و انحراف های فکری و سیاسی در جامعه مطرح می شد، معارف ناب اسلامی و اندیشه های دینی را در میان مردم مطرح می ساخت.

ایشان همواره مردم را به درک صحیح قرآن راهنمایی و مسائل و سؤالات آنها را با آیات قرآنی پاسخ می فرمود تا از این طریق روحیه قرآن گرایی را در میان آنها تقویت نماید. ارتباط میان قرآن و امام باقر (ع) آن چنان عمیق است که جلوه آن در بسیاری از بیانات امام قابل مشاهده می باشد.

در این مقاله برآنیم که بخش های مختلفی از سخنان ایشان را که به توصیف قرآن پرداخته است، مورد بررسی قرار دهیم.

آیات قرآنی و تعلیم شیوه صحیح فراگیری فقه و اجتهاد

امام محمد باقر (ع) الگوی علمی و هدایتگری مردم بود و افراد مختلفی برای کسب دانش و معرفت، نزد ایشان می آمدند.

ابوحزمه ثمالی می گوید در مسجد الرسول (ص) نشسته بودم که مردی پیش آمد، سلام کرد و گفت: تو کیستی؟ گفتم از مردم کوفه ام. به او گفتم: در جستجوی چه هستی؟ مرد گفت: آیا ابو جعفر محمد بن علی (ع) را می شناسی؟ گفتم: آری می شناسم، با ایشان چه کار داری؟ مرد گفت: چهل مسأله آماده کرده ام تا از او سؤال کنم. آن چه پاسخ داد، حقش را بگیرم و باطلش را وانهم. ابوحزمه گوید: به او گفتم آیا فرق حق و باطل را می دانی و ملاک تشخیص آن را می شناسی؟ مرد گفت: آری می شناسم. گفتم: اگر حق و باطل را

می شناسی و ملاک آن را در دست داری، پس چه نیازی به امام باقر (ع) خواهی داشت؟ مرد گفت: شما کوفیان کم ظرفیت و ناشکیبایید. در این میان، امام باقر (ع) وارد مسجد شد، در حالی که جمعی از مردم خراسان و افراد دیگر اطراف او را گرفته درباره مسائل حج از آن حضرت سؤال می کردند. مدتی گذشت تا امام باقر (ع) در جایگاه خود نشست و آن مرد هم نزدیک امام، جایی برای خود جستجو کرد. ابو حمزه می گوید: من سعی کردم جایی بنشینم که گفتگوی امام با اطرافیانش را بشنوم، مردم یکی پس از دیگری مطالب خود را سؤال کردند و پاسخ گرفتند و رفتند. آن گاه امام (ع) رو به جانب آن مرد کرده، پرسیدند: «تو کیستی؟» مرد گفت: من قتاده بن دعامة بصری هستم. امام فرمود: «تو فقیه اهل بصره هستی؟» مرد گفت: آری. امام فرمود: «وای بر تو ای قتاده. خداوند بندگان شایسته ای را آفریده است تا حجت بر دیگران باشند، آنان اوتاد زمین و بر پادارنده امر الهی و نخبگان علم خداوند و خداوند آنان را قبل از آفرینش دیگر بندگان برگزیده است». قتاده پس از سکوتی طولانی گفت: به خدا سوگند من تا کنون در برابر فقیهان بسیار و نیز پیش روی ابن عباس نشسته ام ولی آن گونه که اکنون در برابر شما مضطرب شده ام، در مقابل هیچ کدامشان احساس نگرانی و اضطراب نداشته ام. امام باقر (ع) فرمود: «تو می دانی کجا نشسته ای؟ تو در مقابل خاندانی هستی که خداوند درباره آن فرموده است: «فِي يُبُوتِ أذنَ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ» (النور، ۲۴/۳۶). و نیز فرموده است: «رَجَالٌ لَا تُلْهِهِمِْمْ بَاجِرَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ» (النور، ۲۴/۳۷). پس جایگاه تو آنجاست - که خود می دانی - و ما آن خاندانیم که خدا توصیف کرده است».

در این هنگام قتاده گفت: به خدا سوگند راست گفتمی، فدایت شوم آن خانه ها که خدا اجازه داده است نام و یاد و تسبیح او در آنها برده شود، نه خانه های ساخته شده از سنگ و خاک است که شما خاندانید.^۳

معنای حقیقی ید الله و انتساب روح به خدا

در تفسیر آیه «قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِيدِي» (ص، ۳۸/۷۵).

از امام باقر (ع) سؤال شد، منظور از دست که خداوند به خویش نسبت داده چیست؟ امام فرمود: «ید در کلام عرب به معنای قوت و عظمت است. خداوند می فرماید: «وَالسَّمَاءِ بَنِينَهَا بِأَيْدٍ» (الذاریات، ۵۱/۴۷)؛ یعنی آسمان را با قدرت و نیرو برافراشتیم چه در آیه «وَأَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ» (المجادلة، ۵۸/۲۲)؛ روح نیز به معنای قوت و نیروی امدادگر است...»^۴.

در تفسیر این کلام الهی که می فرماید: «در آدم، از روح خودم دمیدم» امام (ع) همین

بیان را آورده که مراد از روح، قدرت است. ۵

و در بیانی دیگر امام (ع) فرموده است: «مراد از روح خدا، روحی است که او انتخاب کرده و برگزیده و آفریده است و آن را به خود نسبت داده و بر تمامی ارواح برتری بخشیده است». ۶

موضعگیری قرآن علیه حاکمان ستمگر

امام باقر (ع) ستمگران و پیروان آنها را نکوهش کرده و می فرماید: «همانا پیشوایان ظلم و پیروان ایشان، از دین الهی عزل شده و برکنارند». ۷

خداوند در قرآن فرموده است: «إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَرَأَوْا الْعَذَابَ وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ» (البقرة، ۲/۱۶۶)؛ هنگامی - فرارسد - که پیشوایان از پیروان خود بیزاری جویند و عذاب را در برابر خود مجسم یابند و دستشان از هر وسیله‌ای برای نجات و رهایی کوتاه باشد. امام باقر (ع) در تفسیر این آیه و بیان مصداق این پیشوایان و پیروان می فرماید: «به خدا سوگند این پیشوایان همان رهبران ستمگرند که در روز قیامت و لحظه مشاهده عذاب الهی از پیروان و حامیان خود دوری و بیزاری می جویند». ۸

بنا بر سخنان امام باقر (ع) اگر کسی به قرآن و پیام وحی، ایمان دارد باید بداند که پیروی از ستمگران، هم کیفر اخروی دارد و هم از طرف همین ظالمان مورد خیانت و بی‌مهری قرار خواهد گرفت.

پاسخ‌های قرآنی امام باقر (ع) به هشام بن عبدالملک

امام باقر (ع) بسیاری از عداوت و رزوی‌های هشام را با کلام نورانی وحی، پاسخ می فرمود. از جمله سؤالات هشام این بود که آیا دشواری‌ها و مشکلات روز قیامت مجال خواهد داد که کسی به خوردن و آشامیدن پردازد؟

امام باقر (ع) در پاسخ او فرمود: «مشکلات قیامت باعث نمی شود انسان‌ها از آب و غذای خود غافل شوند چه مشکلات اهل دوزخ به مراتب بیشتر از درد و رنج مردم در صحنه محشر است ولی با این حال، دوزخیان از آب و غذا بی‌نیاز نیستند و درد و رنج آتش و شکنجه‌های جهنم باعث نمی شود که رنج گرسنگی و تشنگی را فراموش کنند و بدین جهت خداوند در قرآن بیان کرده است که دوزخیان به اهل بهشت التماس می کنند و می گویند: «أَفِيضُوا عَلَيْنَا مِنَ الْمَاءِ أَوْ مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ» (الاعراف، ۷/۵۰)؛ از آب‌ها یا آنچه خدا به شما روزی

کرده است، مقداری هم به ما ببخشید». هشام با شنیدن این پاسخ دیگر ساکت شد. ۹ در جای دیگری آمده است که هشام از امام محمد باقر (ع) خواست که تیراندازی کند.

پس از اینکه امام باقر(ع) تیراندازی کرد. هشام گفت: هرگز مانند کار تو را از کسی ندیده بودم و گمان نمی‌کنم روی زمین کسی بتواند این گونه تیراندازی کند. آیا جعفر هم می‌تواند همین گونه هدف بگیرد؟

امام باقر(ع) فرمود: ما کمال‌ها و حقایق دین را به ارث می‌بریم، همان دین کاملی که خداوند درباره آن فرموده است: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا» (المائدة، ۵/۳)؛ امروز دینتان را کامل کردم و نعمت را بر شما تمام ساختم و اسلام را به عنوان دین برایتان رضا دادم».

هشام با شنیدن این سخنان چهره‌اش سرخ و حالش دگرگون شد و سؤال‌ها و اشکال‌های متعددی را مطرح کرد و امام هم به هریک پاسخ داد... ۱۰

قناعت و دوری از طمع

امام باقر(ع) در زمینه قناعت می‌فرماید: «اجتناب کن از این که چشم به بالاتر از خود بدوزی - و با حسرت به امکانات افراد توانمندتر از خود نگاه کنی - کافی است که به رهنمودهای خداوند به پیامبر(ص) توجه کنی که فرمود: «فَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ» (التوبة، ۵۵/۹)؛ کثرت اموال و فرزندان کافران تو را به تعجب و اندارد. «وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» (طه، ۲۰/۱۳۱)؛ به بهره‌وری‌های کافران، خیره مشو، زیرا این بهره‌وری‌ها محدود به زندگی دنیاست».

سپس امام باقر(ع) افزود: «هرگاه در دلت، حسرت امکانات دیگران راه یافت، شیوه زندگی پیامبر(ص) را به یاد آور زیرا غذای آن حضرت، نان فراهم آورده از جو و شیرینی وی خرما و وسیله روشنایی او در شب‌ها، شاخه‌های نخل بود، آن هم اگر فراهم می‌شد». ۱۱

جایگاه شب قدر در آیات قرآنی

از حضرت باقر(ع) روایت شده که فرمود خداوند متعال درباره شب قدر می‌فرماید: «فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ» (الدخان، ۴/۴۴)؛ در این شب هر کار و امر محکمی ممتاز می‌شود. و تفسیر آن چنین است که در این شب هر امر محکمی فرود می‌آید و محکم یک چیز است نه دو چیز. پس هرکس حکمی کند که در آن اختلاف نباشد حکم او از حکم خدا نشأت گرفته است و هرکس حکمی کند که در آن اختلاف باشد و او خود را در آن حکم بر حق بداند، به حکم طاغوت و شیطان حکم کرده است و در شب قدر، بیان کارهای سالانه بر اولوالأمر - امام معصوم(ع) - نازل می‌شود که چه کارهایی را درباره خود و دیگر مردم انجام دهد و

همچنین هر روز علم خاص و علم پنهانی عجیب و علم ذخیره خداوند همان طور که در شب قدر نازل می‌شود، برای ولی امر بازگو می‌شود». ۱۲

سپس حضرت باقر(ع) این آیه را تلاوت فرمود: «وَلَوْ أَنَّمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَفْلَاحٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَا نَفِدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (لقمان، ۲۷/۳۱)؛ اگر تمامی درختان روی زمین قلم شود و آب دریا به اضافه هفت دریای دیگر مرکب شود، باز نگارش کلمات خداوند ناتمام بماند که همانا خدا را اقتدار بی‌نهایت و حکمت بی‌پایان است. حضرت باقر(ع) فرمود: «ای شیعیان در مقام احتجاج به سوره «إِنَّا أَنْزَلْنَاهَا» استدلال کنید تا رستگار شوید. زیرا به خدا سوگند، پس از پیامبر(ص) این سوره حجت خدا بر خلقش می‌باشد و این سوره در دین شما از مقام والایی برخوردار است. این سوره منتهای دانش ماست. ای شیعیان، به سوره «حَمِّمٌ وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ* إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مَبْرُكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ» (الدخان، ۴۴/۳-۱)؛ حم، همانا ما قرآن را در شب مبارکی فرو فرستادیم و ما بیم دهنده بودیم. استدلال کنید، زیرا این سوره مخصوص امامان و حاکمان پس از رسول اکرم(ص) است». ۱۳

آفرینش در قرآن

از سدیر صیرفی، روایت شده است که گفت: شنیدم که حمران بن اعین از حضرت محمد باقر(ع) درباره آیه «بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...» (البقرة، ۱۱۷/۲)؛ او آفریننده آسمان‌ها و زمین است. پرسید؟ حضرت در جواب فرمود: «خداوند تمامی چیزها را با علم خویش بدون مشابه قبلی، آفرید، آسمان‌ها و زمین‌ها را آفرید در حالی که قبل از آن، آسمان و زمینی نبود. آیا نشنیده‌ای قول خداوند متعال را که فرمود: «وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ» (هود، ۷/۱۱)؛ یعنی عرش خداوند پیش از آفرینش آسمان و زمین بر روی آب مستقر بوده پس حمران عرض کرد: آیا قول خداوند متعال در قرآن را که فرمود: «عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا» (الجن، ۷۲/۲۶)، ملاحظه فرموده‌ای؟ حضرت فرمود: «آری، می‌دانم و در ادامه آن آیه: «إِلَّا مَنْ ارْتَضَى مِنْ رَسُولٍ» (الجن، ۷۲/۲۷)، ذکر شده است. سوگند به خدا که محمد(ص) از برگزیدگان خداوند است و اما تفسیر «عَالِمُ الْغَيْبِ» این است که خداوند تواناست به مقدراتی که از مخلوقاتش پنهان است و آنها را در علم خودش، پیش از آفرینش و پیش از آن که به فرشتگان فرمان دهد، در عالم قضا می‌آفریند و این علمی است که در نزد خداوند است و زمانی که اراده کند، لباس وجود بر آن می‌پوشاند و زمانی که بدهد و تغییر در علم خدا حاصل شود از آن صرف نظر می‌کند. اما علمی که خداوند آن را در عالم قضا و قدر آفریده و آن را امضا کرده

است، آن علمی است که به حضرت رسول (ص) و سپس به ما اهل بیت (ع) رسیده است. ۱۴

ملک عظیم در قرآن

از حضرت باقر (ع) نقل شده است که در تفسیر قول خدای متعال «وَأَتَيْنَاهُمُ مُلْكًا عَظِيمًا» (النساء، ۴/۵۴)؛ و ما حکومت عظیمی در اختیار آل ابراهیم قرار دادیم. فرمود: «مقصود از ملک عظیم، اطاعت واجب است». ۱۵

صاحبان علم

از حضرت باقر (ع) و حضرت صادق (ع) روایت شده است که در تفسیر آیه «بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ» (العنکبوت، ۲۹/۴۹)؛ بلکه این کتاب آسمانی مجموعه ای از آیات روشن است که در سینه صاحبان علم جای دارد. فرمودند: «مقصود از دارندگان علم در این آیه، فقط امامان معصوم (ع) هستند». ۱۶

از حضرت باقر (ع) روایت شده است که «النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ...» (الأحزاب، ۶/۳۳)؛ پیامبر نسبت به مؤمنان از خود آنها اولی است. «این آیه درباره امارت و حکومت نازل شده است». ۱۷

به این معنا که پیامبر (ص) سزاوارتر است بر مؤمنان از خودشان حتی اگر پیامبر (ص) به چیزی نیازمندتر باشد و مالک آن چیز نیز بدان احتیاج داشته باشد، پیامبر (ص) می تواند آن چیز را از صاحبش بگیرد.

مقام هدایتگری اهل بیت (ع)

از حضرت باقر (ع) روایت شده است که درباره تفسیر آیه «إِنَّمَا أَنتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» (الرعد، ۱۳/۷)؛ تنها وظیفه تو اندرز و ترساندن خلق - از نافرمانی خدا - است و هر قومی را از طرف خدا راهنمایی است. فرمود: «منذر - بیم دهنده -، رسول خدا (ص) است و علی (ع) هدایت کننده است. آگاه باشید به خدا سوگند که این مقام هدایتگری در میان ما اهل بیت (ع) از بین نمی رود و همچنان تا روز قیامت در میان ما خواهد بود». ۱۸

از حضرت امام باقر (ع) روایت شده است که در تفسیر قول خدای متعال «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي» (یوسف، ۱۲/۱۰۸)؛ بگو این راه من است که من و پیروانم با بصیرت کامل همه مردم را به سوی خدا دعوت می کنم. حضرت باقر (ع) فرمود: «مقصود از این آیه، حضرت رسول (ص) و امیرمؤمنان علی (ع) و امامان پس از آن حضرت هستند». ۱۹

پاسخ به انحراف‌های فکری از طریق آیات قرآنی

در زمان امام باقر(ع)، برخی از افراد معتقد بودند که به جز انبیا و ملائکه، هیچ کس عصمت ندارد و همه در معرض صواب و خطا هستند و سخنانشان پذیرفته می‌شود و گاه رد می‌گردد، به جز پیامبر اکرم(ص) زیرا او معصوم بوده و از جانب وحی تأیید می‌شده است. ۲۰ بدیهی است که این افراد با چنین بینشی که دارند، نمی‌توانند کمالات فوق بشری ائمه را بپذیرند.

در زمان امام باقر(ع) نیز این مباحث از سوی برخی افراد مانند هشام، مطرح می‌شد. هشام به امام باقر(ع) می‌گوید: علی(ع) مدعی علم غیب بود در حالی که خداوند هیچ کس را بر غیب خویش آگاه نساخته است. پس علی(ع) چگونه مدعی بوده است؟ امام باقر(ع) در پاسخ می‌فرماید: «خداوند متعال بر پیامبرش(ص) کتابی شگفت فرو فرستاد که در آن تمامی آنچه رخ داده و تا قیامت رخ خواهد داد، ثبت شده است و آیات: «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ» (النحل، ۱۶/۸۹) «وَهُدًى وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ» (آل عمران، ۳/۱۳۸) و «وَكُلِّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ» (یس، ۳۶/۱۲) و «مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ» (الأنعام، ۶/۳۸)، نظر به همین حقیقت دارد. از سوی دیگر خداوند به پیامبر(ص) وحی کرد: آنچه از اسرار پنهان و امور غیبی که به وی ارائه شده به علی(ع) منتقل کند... و در این راستا پیامبر(ص) به اصحاب خویش فرمود: «علی بن ابی طالب(ع) برای تأویل قرآن خواهد جنگید، همان‌گونه که من برای تنزیل قرآن و اصل تثبیت آن در میان مردم با عوامل ستیزه‌جو جنگیدم و در نزد هیچ کس تأویل قرآن به صورت کامل و تام آن وجود ندارد مگر نزد علی(ع)...» ۲۱.

موضعگیری علیه دروغ پردازان از طریق آیات قرآنی

هشام بن حکم از امام صادق(ع) نقل کرده است: مغیره بن سعید از روی عمد و غرض ورزی بر پدرم - امام باقر(ع) - دروغ می‌بست. یاران مغیره در جمع اصحاب امام باقر(ع) می‌آمدند و نوشته‌ها و روایات را از ایشان می‌گرفتند و به مغیره می‌رساندند و او در لابه لای آن نوشته‌ها مطالب کفرآمیز و باطل را می‌افزود و به امام باقر(ع) نسبت می‌داد و آنان را امر می‌کرد تا آن مطالب را به عنوان آرای امام در میان شیعه رواج دهند. پس آن چه از مطالب آمیخته به غلو در روایات امام باقر(ع) دیده شود، افزوده‌های مغیره بن سعید است. ۲۲ امام باقر(ع) از وجود چنین عناصر ناسالمی، کاملاً آگاهی داشت و در هر فرصت به افشای چهره آنان و انکار بافته‌های ایشان می‌پرداخت.

ایشان درباره مغیره می فرمود: «آیا می دانید مغیره مانند کیست؟ مغیره مانند بلعم [باعور] است که خداوند در حق وی فرمود: «الَّذِي آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَانْسَلَخَ مِنْهَا فَاتَّبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ» (الاعراف، ۱۷۵/۷)؛ ما آیات خود را به او عطا کردیم ولی او به عصیان گرایید و پیرو شیطان گشت و در زمره گمراهان جهان قرار گرفت». ۲۳

مغیره بن سعید درباره خداوند قائل به تجسیم بود و سخنان غلوآمیز درباره علی (ع) می گفت. ۲۴

بیان آیات قرآنی و افشای چهره عالم نمایان

امام باقر (ع) درصدد بود تا انحراف های فکری عالم نمایان خود محور را به مردم یادآوری نموده و از طریق بیان آیات قرآنی، چهره آنها را در میان اهل دانش و جامعه اسلامی، افشا نماید.

امام (ع) در برخی مباحثه ها به این نکته با صراحت، اشاره می فرمود: حسن بصری نزد امام باقر (ع) آمد و گفت: آمده ام تا مطالبی درباره قرآن از شما بپرسم. امام (ع) فرمود: «آیا تو فقیه اهل بصره نیستی؟» پاسخ داد: این چنین گفته می شود. امام (ع) فرمود: «بنابراین همه مردم بصره مسائل دینشان را از تو می گیرند؟» گفت: آری. امام باقر (ع) فرمود: «سبحان الله مسئولیت بزرگی را به گردن گرفته ای. از جانب تو سخنی برابم نقل کرده اند که نمی دانم واقعا تو آن را گفته ای یا بر تو دروغ بسته اند». حسن بصری گفت: آن سخن چیست؟ امام فرمود: «مردم گمان کرده اند که تو معتقدی خداوند امور بندگان را به خود آنان تفویض کرده است». حسن بصری سکوت اختیار کرده و هیچ نمی گفت. امام باقر (ع) برای این که وی را به ریشه اشتباهش متوجه سازد و بنمایاند که عامل اصلی کج فهمی او ناتوانی در فهم معارف قرآن است برایش نمونه ای روشن آورد و فرمود: «اگر خداوند در قرآنش به کسی ایمنی داده باشد آیا به راستی پس از این ایمنی تضمین شده از سوی خدا بر او ترسی هست؟» حسن بصری گفت: خیر، ترسی بر او نخواهد بود. امام باقر (ع) فرمود: «اکنون آیه ای را برایت می خوانم و سخنی با تو دارم. من گمان نمی کنم که آن آیه را به گونه صحیح تفسیر کرده باشی و اگر غلط تفسیر کرده ای، هم خودت را هلاک کرده ای و هم پیروانت را. آن آیه این است: «وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُرًى ظَاهِرَةً وَقَدَّرْنَا فِيهَا السَّيْرَ سِيرُوا فِيهَا لِيَالِي وَأَيَّامًا آمِنِينَ» (سبأ، ۳۴/ ۱۸). شنیده ام که گفته ای مراد از سرزمین مبارک و امن، سرزمین مکه است؟ آیا کسانی که برای حج به مکه سفر می کنند مورد هجوم راهزنان قرار نمی گیرند و در مسیر آن هیچ ترسی ندارند و اموالشان را از دست نمی دهند؟» حسن بصری گفت: چرا. امام (ع) فرمود: «پس

چگونه ایمن هستند و امنیت دارند؟ این آیه مثالی است که خداوند درباره ما اهل بیت رسالت، بیان داشته است. ما سرزمین مبارکیم و سرزمین های آشکار «قُرَى ظَاهِرَةً» نمایندگان و فقهای پیر و ما هستند که میان ما و شیعیانمان قرار دارند و مطالب ما را به آنان می رسانند. «قَدَرْنَا فِيهَا السَّيْرَ» مثالی است از حرکت و کاوش علمی. «سَيَرُوا فِيهَا لَيَالِيًا وَأَيَّامًا» مثالی است از تهییج مردم برای کسب همواره دانش در زمینه حلال و حرام و واجبات و احکام از اهل بیت (ع). هرگاه مردم از این طریق معارف دین را دریافت کنند، ایمن از شک و گمراهی اند ... ای حسن بصری اگر به تو بگویم جاهل اهل بصره ای سخنی به گزاف نگفته ام. از اعتقاد به تفویض، اجتناب کن، زیرا خداوند به دلیل ضعف و سستی، تمام کار خلق را به ایشان وانهد و از سوی دیگر ایشان را به ناروا بر گناهان مجبور نساخته است». ۲۵

تقویت روحیه قرآن گرایی در میان مردم

امام باقر (ع) همواره مردم را به درک صحیح قرآن رهنمون می ساخت و تلاش می کرد تا روحیه قرآن گرایی را در میان آنها تقویت نماید.

آن حضرت در برخی سخنانش فرمود: «پیامبر (ص) از قیل و قال - بگو مگو و مشاجره - و هدر دادن و تباه ساختن اموال و پرس و جوی زیاد، نهی کرده است». به آن حضرت گفته شد: این مطلب در کجای قرآن آمده است؟ امام باقر (ع) فرمود: «در قرآن آمده است «لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِّنْ نَّجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ» (النساء، ۴/ ۱۱۴). این آیه دلالت می کند که بیشتر سخنان نجوایی و به درازا کشیده فاقد ارزش است مگر سخنی که در آن امر به انفاق یا کار نیک و یا اصلاح میان مردم باشد. «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا» (النساء، ۴/ ۵). از این آیه استفاده می شود که اموال را نباید در معرض نابودی و تباهی قرار داد. «لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءٍ إِنْ تَبَدَّلَ لَكُمْ تَسْوَأُكُمْ» (المائدة، ۵/ ۱۰۱). و این آیه می نمایاند که هر سؤالی شایسته و مفید و مثبت نیست و چه بسا پرسش هایی که به ناراحتی و نگرانی خود انسان بینجامد». ۲۶

اهمیت علم و دانش در آیات قرآن

امام باقر (ع) بارها این حقیقت را بیان می فرمود که امامان وارث علمی هستند که از آنچه نزد سایر انسان ها یافت می شود نیز برتر می باشد.

آن حضرت آیه: «بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ» (العنكبوت، ۲۹/ ۴۹) را تلاوت می کرد. - یعنی: قرآن آیتی است روشن در سینه آنان که از علم برخوردار شده اند و به آنان دانش عطا شده است - آن گاه با دست به سینه خویش اشاره می کرد. ۲۷

ابی بصیر از حضرت باقر (ع) روایت کرده است که درباره آیه پیش فرمود: «ای ابا محمد، سوگند به خدا آگاه باشید از آنچه که خداوند در این آیه قرآن می فرماید. عرض کردم فدایت شوم چه کسانی در این آیه از آنها نام برده شد؟ فرمود: چه کسی غیر از ما خاندان می تواند مقصود آیه باشد؟» ۲۸.

در محضر امام باقر (ع) این آیه از قرآن مطرح شد: «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ» (عبس، ۸۰/ ۲۴)؛ یعنی انسان باید به غذای خویش با دقت و تأمل بنگرد و بیندیشد. شخصی از آن حضرت پرسید: منظور از غذا چیست؟ امام فرمود: «منظور از غذا همان علمی است که می آموزد و باید انسان توجه کند که آن را از چه کسی فرا می گیرد؟» ۲۹.

قیامت و آیات قرآنی

از حضرت باقر (ع) درباره سخن خدای متعال در آیه زیر سؤال شد؟ «يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمامِهِمْ» (الاسراء، ۱۷/ ۷۱)؛ به یاد آورید روزی را که هر گروهی را با پیشوایان ایشان می خوانیم. ایشان فرمود: «در روز قیامت حضرت رسول اکرم (ص) همراه با امتش می آید در حالی که امام علی (ع) و امام حسن (ع) و امام حسین (ع) و کسانی که بعد از ظهور اسلام تا روز قیامت از دنیا رفته اند، با آن حضرت به صحرای محشر می آیند.» ۳۰.

جایگاه اهل بیت در قرآن

در کتاب کافی از برید عجلی، روایت شده است که گفت از حضرت باقر (ع) درباره تفسیر آیه «أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ...» (النساء، ۴/ ۵۹)؛ ای کسانی که ایمان آورده اید اطاعت کنید خدا و پیامبر خدا را و اطاعت کنید صاحبان امر را. پرسیدم. حضرت در پاسخ، این آیه را تلاوت فرمود: «الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِشِرْكَاتٍ كُفْرًا» (النساء، ۴/ ۵۱)؛ آیا ندیدی کسانی را که بهره ای از کتاب خداوند دارند با این حال به جبت - سحر: نام بت - و طاغوت - بت و بت پرستان و سرکشان - ایمان می آورند و به مشرکان می گویند آنها از کسانی که ایمان آورده اند، هدایت یافته ترند. «یعنی کسانی هستند که می گویند: راه و روش پیشوایان گمراه و آنهایی که مردم را به آتش جهنم می خوانند، صحیح تر از روش اهل بیت محمد (ص) است. ایشانند کسانی که مصداق این آیه هستند. مقصود از ملک، امامت و خلافت است؛ یعنی: اگر بهره ای از امامت یا خلافت ببرند، «فَادَا لَا يُؤْتُونَ النَّاسَ نَقِيرًا» (النساء، ۴/ ۵۳)؛ به مردم هسته خرمایی هم نمی دهند». حضرت فرمود مقصود از الناس در این آیه، «ما اهل بیت هستیم». حضرت در

ادامه فرمود: «ام یحسدون الناس علی ما آتاهم الله من فضله...» (مقصود، ما اهل بیت (ع) هستیم که به سبب مقام امامت که خداوند به ما بخشیده و به دیگران نبخشیده است، مورد حسادت واقع شده ایم و دنباله آیه: «فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا» (النساء، ۴/ ۵۴)؛ خداوند می فرماید: ما از خاندان ابراهیم (ع) پیامبران، مرسلین و امامانی قرار دادیم و چگونه است که مردم درباره خاندان حضرت ابراهیم (ع) قایل به امامت هستند ولی آن را درباره خاندان رسول (ص) انکار می کنند». سپس حضرت درباره منکرین، این آیه را تلاوت فرمود: «فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ بِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ صَدَّ عَنْهُ وَكَفَىٰ بِجَهَنَّمَ سَعِيرًا» (النساء، ۴/ ۵۵)؛ جمعی از ایشان به او - ابراهیم - ایمان آوردند و جمعی ایجاد مانع در راه آن نمودند و شعله فروزان آتش دوزخ برای آنها کافی است. «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا سَوْفَ نُصَلِّيهِمْ نَارًا كَلَّمًا نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بِدَلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا» (النساء، ۴/ ۵۶)؛ آنان که به آیات ما کافر شدند به زودی به آتش دوزخشان درافکنیم که هرچه پوست تن آنها بسوزد به پوست دیگرش مبدل سازیم تا سختی عذاب را بچشند که همانا خدا مقتدر و کارش از روی حکمت است». ۳۱

از برید عجلی روایت شده است که گفت: از حضرت محمد باقر (ع) درباره تفسیر آیه «... اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» (التوبة، ۱۱۹/۹)؛ ای کسانی که ایمان آورده اید از مخالفت فرمان خدا بپرهیزید و با صادقان پیوندید. پرسیدم. حضرت فرمود: «مقصود از صادقین در این آیه ما ائمه (ع) هستیم». ۳۲

زرارة گوید از امام محمد باقر (ع) درباره تفسیر آیه: «وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِنْ كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ» (البقرة، ۲/ ۵۷)؛ آنها به ما ستم نکردند بلکه به خود ستم کردند. پرسیدم: حضرت فرمود: «همانا خداوند بزرگ تر و منزّه تر است از این که بر مردم ستم روا دارد بلکه ما اهل بیت را با وجود خود ممزوج کرده است یعنی ما را همچون خود و جزئی از خود دانسته و لذا ستم به ما اهل بیت را ستم به خود و ولایت ما را ولایت خود قرار داده است و لذا خداوند در قرآن می فرماید: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا...» (المائدة، ۵/ ۵۵)؛ سرپرست و رهبر شما تنها خداوند است و پیامبر او و آنها که ایمان آورده اند. که مقصود از مؤمنین، ما اهل بیت هستیم». حضرت در حدیثی دیگر درباره تفسیر «... وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِنْ كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ» (البقرة، ۲/ ۵۷)؛ همین سخن را تکرار فرموده است. ۳۳

در کتاب کافی از ابوخالد کابلی، روایت شده است که گفت: از حضرت محمد باقر (ع) درباره آیه «فَأْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا...» (التغابن، ۸/ ۶۴)؛ پس به خدا ایمان آورید

و به رسول او و نوری که در آیات قرآن فرستادیم؛ پرسیدم؟ حضرت فرمود: «سوگند به خدا مقصود از نور، امامانی از اهل بیت محمد (ص) می باشند که تا روز قیامت مردم را هدایت می کنند. آنها نور خداوند در آسمان ها و زمین هستند. ای ابا خالد، به خدا سوگند که نور امام در قلوب مؤمنان درخشان تر از نور خورشید درخشان در روز است. به خدا که امامان (ع) قلوب مؤمنان را نورانی می کنند و خداوند نور امامان (ع) را از هر که بخواهد، پوشیده می دارد و قلوب ایشان را سیاه می کند». ۳۴

امام باقر (ع) در تفسیر آیه: «أَوْ مَنْ كَانَ مِيمًا فَاَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ» (الأنعام، ۱۲۲/۶)، می فرماید: «انسان مرده کسی است که جاهل است و چیزی نمی شناسد و زنده شدن این انسان در پرتو نور شناخت و معرفتی است که با آن در میان جامعه به درستی حرکت کند و این نور همان امام و پیشوای الهی است که به او اقتدا کرده و از وی پیروی می کند». ۳۵

امام باقر (ع) در معنای آیه: «فَكُبْكِبُوا فِيهَا هُمْ وَالْغَاوُونَ» (الشعراء، ۹۴/۲۶)، فرمود: «منظور از گمراه کنندگان آنانند که عدل را می ستایند ولی در عمل به ظلم و ظالم روی می آورند». ۳۶

حضرت باقر (ع) درباره آیه کریمه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ...» (الحديد، ۵۷/۲۸)؛ ای کسانی که به حق گرویدید اینک خدا ترس و متقی شوید و به رسولش نیز ایمان آورید تا خدا از رحمتش دو بهره نصیب گرداند و نوری از پرتو ایمان به قرآن شما را عطا کند که بدان نور راه پیمایید.

فرمود: «مقصود از نور، امام (ع) است که مردم از او پیروی می کنند». ۳۷

بیان آیات قرآن بر خوارج و مبارزه با اندیشه آنها

امام باقر (ع) در مقابل خوارج، موضع گیری های روشنی اتخاذ نموده و اندیشه های منحرف آنها را با آیات قرآنی، پاسخ می فرمود. ایشان در برخی از تعالیم خود می فرمود: «به این گروه مارقه^{۳۸} باید گفت، چرا از علی (ع) جدا شدید با این که شما مدت ها سر در فرمان او داشتید و در رکابش جنگیدید و نصرت و یاری وی زمینه تقرب شما را به خداوند فراهم می آورد؟ آنها خواهند گفت: امیرالمؤمنین (ع) در دین خدا حکم کرده است - یعنی در جنگ با معاویه حکم را پذیرفته است در حالی که نمی بایست شرعا حکمیت را بپذیرد - به آنان باید گفت: خداوند در شریعت پیامبر حکمیت را پذیرفته و آن را به دو مرد از بندگان و انبیا است. آنجا که فرموده: «فَابْعَثُوا كَمَا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدُوا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا» (النساء، ۳۵/۴)؛ هرگاه میان زن و شوهر اختلافی رخ نمود که احتمال دارد به جدایی

منتهی شود، به انگیزه ایجاد سازش و همدلی میان آنها، یک مرد از جانب شوهر و یک مرد از جانب زن به عنوان حکم فرستاده شوند تا اگر بنایی اصلاح باشد، خدا آنان را توفیق عطا کند. از سوی دیگر، رسول خدا (ص) در جریان بنی قریظه برای حکمیت، سعد بن معاذ را برگزید و او به آن چه مورد امضا و پذیرش خداوند بود، حکم کرد. به خوارج باید گفت: آیا شما نمی دانید که وقتی امیرالمؤمنین (ع) حکمیت را پذیرفت به افرادی که حکمیت بر عهده آنان نهاده شده بود فرمان داد تا بر اساس قرآن حکم کنند و از حکم خداوند فراتر نروند و شرط کرد که اگر حکم آنان خلاف قرآن باشد، آن را نخواهد پذیرفت؟ زمانی که کار حکمیت علیه علی (ع) تمام شد، برخی به آن حضرت گفتند: کسی را بر خود حکم ساختی که علیه تو حکم کرد. امیرالمؤمنین (ع) در پاسخ گفت: من به حکمیت کتاب خدا تن دادم نه به حکمیت یک فرد تا نظر شخصی خودش را اعمال کند.

اکنون باید به خوارج گفت که در کجای این حکمیت، انحراف از حکم قرآن دیده می شود با این که آن حضرت به صراحت اعلام کرد که حکم مخالفت قرآن را رد می کند». ۳۹

دستور قرآن برای مبارزه علیه شرک، کفر و ستم

مردی از شیعیان در مورد جنگ های علی بن ابی طالب (ع) از امام باقر (ع) سؤال هایی مطرح کرد.

امام باقر (ع) در پاسخ وی فرمود: «خداوند، پیامبرش محمد (ص) را همراه با پنج شمشیر مبعوث کرد. سه شمشیر از آن پنج شمشیر، همواره کشیده و در اهتزاز است و هرگز نباید در نیام رود، مگر آن که دشمن دست از ستیزه با اسلام و ارزش های اسلامی بردارد و شعله های این نبرد فروکش کند و جنگ بار بر زمین نهد. البته جنگ میان ارزش ها و ضد ارزش ها فروکش نخواهد کرد مگر آن روز که خورشید از نمان گاه مغرب طلوع کند تنها در آن روز، بشریت روی صلاح و امنیت را خواهد دید و تنها کسانی سود خواهند برد که دارای پیشینه ایمانی و ارزش های عملی اند. شمشیر چهارم، همواره مترصد فرصت است تا به گاه لزوم به اهتزاز درآید. شمشیر پنجم در نیام است. کشیدنش با دیگران و فرمانش با ماست.

اما آن سه شمشیر آخته، عبارت اند از:

اولین شمشیر؛ شمشیر علیه مشرکان عرب. خداوند درباره آنان فرمود: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا ۚ فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِشَرِيعَةِ اللَّهِ ۚ ذَٰلِكَ الدِّينُ الْقَائِمُ ۗ اللَّهُ يَخْتَارُ ۗ» (التوبة، ۳/۹).
دومین شمشیر آخته؛ بر کافرانی است که به یکی از کتب آسمانی ایمان دارند، ولی

ارزش های الهی را حرمت نمی نهند و به دین حق نمی گروند . خداوند درباره آنان فرموده است : « قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ... » (التوبة، ۹ / ۲۹) . اینان اگر در سرزمین مسلمانان ساکن باشند یا باید ایمان بیاورند یا جزیه بدهند وگرنه محکوم به مرگند

سومین شمشیر ؛ متوجه مشرکان غیر عرب است ...

شمشیر چهارم که باید همواره آماده و مترصد نگه داشته شود ، شمشیر علیه ستمکاران ، متجاوزان ، فسادانگیزان و نیز اهل تأویل است .

اما شمشیر در نیام ، شمشیر قصاص است که خداوند می فرماید : « النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ » (المائدة، ۴۵/۵) ؛ تقاضای قصاص با بازماندگان مقتول و حکمش با ما است .^{۴۰}

قرآن و مرگ مؤمنان

حضرت باقر(ع) در تفسیر آیه کریمه : « وَكَئِن فَتَلْتُم فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مُتُّمْ... » (آل عمران، ۳/ ۱۵۷) ؛ اگر در راه خدا کشته شوید یا بمیرید در آن جهان به آمرزش و رحمت خدا نائل شوید . فرمود : « همه مؤمنانی که کشته می شوند به زودی به دنیا باز خواهند گشت و به زندگی ادامه می دهند تا به مرگ طبیعی بمیرند و همه مؤمنانی که به مرگ طبیعی می میرند ، به زودی به دنیا باز می گردند تا کشته شوند » .^{۴۱}

راه نیافتن تغییر در ذات خداوند

از امام باقر(ع) در تفسیر و معنای آیه : « وَمَنْ يَحْلِلْ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَى » (طه، ۲۰/ ۸۱) ؛ سؤال شد که غضب خدا چگونه است ؟ امام باقر(ع) فرمود : « غضب خداوند همان کيفری است که به خطاکاران و منحرفان روا می دارد و کسی که گمان کند - غضب خداوند همانند غضب آدمیان نتیجه تحت تأثیر قرار گرفتن و تغییر روحیه و تحریک قوای درونی است - و غضب تغییری در خدا به وجود می آورد ، به کفر گراییده است » .^{۴۲}

اهل ذکر چه کسانی هستند؟

از حضرت باقر(ع) در تفسیر آیه : « وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَكَ وَلِقَوْمِكَ وَسَوْفَ تُسْأَلُونَ » (الزخرف، ۴۳/ ۴۴) ؛ و این مایه یادآوری تو و قوم تو است و به زودی سؤال خواهد شد ، روایت شده است که « حضرت رسول(ص) فرموده من و امامان پس از من اهل ذکرند » . و نیز درباره قول خداوند « وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَكَ وَلِقَوْمِكَ وَسَوْفَ تُسْأَلُونَ »^{۴۳} حضرت امام محمد باقر(ع) فرمود : « ما قوم حضرت رسول(ص) هستیم و باید مردم از ما سؤال کنند » .

محمد بن مسلم از حضرت باقر(ع) روایت کرده است که فرمود: «کسانی از مسلمانان هستند که گمان می‌کنند مقصود از اهل ذکر در آیه: «فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (النحل، ۱۶/۴۳)، یهود و نصاری هستند، در حالی که ایشان شما را به دین خود فرا می‌خوانند» و سپس حضرت با دست به سینه مبارکش اشاره کرد و فرمود: «ما اهل ذکر هستیم و ماییم کسانی که مردم باید از ما سؤال کنند». ۴۴

زمینه‌ساز اختلاف‌های اجتماعی

خداوند متعال در قرآن به سست ایمان‌ها و اهل گناه هشدار داده و به پیامبر(ص) امر کرده است که به آنان بگوید:

«قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْضِكُمْ أَوْ يُبْسِكُمْ شِيعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ» (الأنعام، ۶/۶۵)؛ خداوند می‌تواند عذاب سختی را از بالای سر و یا زیر گام‌هایتان برای شما بفرستد و یا این که اختلاف و تفرقه بر اندام شما بپوشاند و گروهی از شما را به عذاب و ناراحتی از سوی گروه دیگر مبتلا سازد. امام باقر(ع) در بیان معنا و مصداق این آیه می‌فرماید: «منظور از اختلاف، اختلاف‌ها و مشاجره‌های دینی است که گروهی به گروه دیگر می‌تازند و طعن می‌زنند و منظور از عذاب برخی گروه‌ها به وسیله گروه دیگر این است که این گروه‌ها به خاطر اختلاف نظر به جان هم افتاده و یکدیگر را می‌کشند و همه اینها در مورد اهل قبله - مسلمانان - است». ۴۵

نتیجه‌گیری

بررسی و مذاقه در سیره و زندگی امامان(ع)، این نتیجه را به ذهن می‌رساند که قرآن و کلام وحی و ارتباط با خدا سرتاسر زندگی، حالات، رفتار و منش آنها را احاطه نموده است. ائمه(ع) در شیوه زندگی خود به پیروان معارف ناب الهی این نکته را متذکر می‌شوند که قرآن کتابی فقط برای خواندن و حفظ نمودن نیست، بلکه آنچه که در نزد خداوند بسیار مهم می‌باشد، عمل و تمسک به قرآن در سرتاسر زندگی و لحظه به لحظه می‌باشد. ائمه(ع) خود قرآن ناطقند و تمام اعمال، معارف و رفتار آنها ریشه در قرآن دارد، در این مقاله سعی شد تا گوشه‌ای از بیانات قرآنی یکی از ائمه یعنی امام باقر(ع) را مورد بررسی قرار دهیم.

۱. امام باقر(ع) جلوه امامت در افق دانش .
۲. احقاق الحق، ۳۶۹/۹.
۳. الکافی، ۶/۶؛ بحار الأنوار، ۳۵۸/۴۶؛ الأنوار البهیة ۱۱۸؛ اعیان الشیعة، ۶۵۲/۱.
۴. سیرة الائمة الاثنی عشر، ۲/۲۱۳ و نظیر آن در تفسیر برهان، ۴/۶۴.
۵. توحید صدوق / ۱۷۲.
۶. همان / ۱۷۰.
۷. الکافی، ۱/۱۸۴.
۸. بحار الأنوار، ۱/۳۷۴.
۹. احتجاج طبرسی، ۲/۳۲۳؛ روضة الواعظین، ۱/۳۰۳؛ کشف الغمة، ۲/۳۳۱؛ سیر اعلام النبلاء، ۴/۴۰۵؛ الفصول المهمة ۲۱۴؛ احقاق الحق، ۱۲/۱۷۸؛ نور الابصار / ۱۴۳.
۱۰. الکافی، ۲/۳۷۶؛ مناقب، ۴/۸۹؛ بحار الأنوار، ۴۶/۲۶۴.
۱۱. همان، ۲/۱۳۸.
۱۲. همان، ۱/۲۴۸ ح/۳.
۱۳. همان / ۲۴۹ ح/۵ و ۶.
۱۴. همان / ۲۵۶ ح/۲.
۱۵. همان / ۱۸۱ ح/۴.
۱۶. همان / ۲۱۴ ح/۳ و ۴ و ۵.
۱۷. همان / ۲۸۶ ح/۲.
۱۸. همان / ۱۹۱ و ۱۹۲ ح/۲ تا ۴.
۱۹. همان / ۴۲۵ ح/۶۶.
۲۰. سیر اعلام النبلاء، ۴/۴۰۱.
۲۱. دلائل الامامة / ۱۰۴؛ أمان الاخطار / ۵۲؛ بحار الأنوار، ۴۶/۳۰۸؛ نور الأبصار / ۶۴۶۰.
۲۲. اختیار معرفة الرجال، ۳/۲۲۵ ح/۴۰۲.
۲۳. تفسیر العیاشی، ۲/۴۲؛ اختیار معرفة الرجال، ۳/۲۲۸ حدیث ۴۰۶؛ بحار الأنوار، ۴۶/۳۲۲.
۲۴. تاریخ طبری، ۵/۴۵۶؛ الکامل فی التاریخ، ۴/۲۰۹-۲۰۷.
۲۵. الاحتجاج / ۳۲۷.
۲۶. اختصاص مفید / ۳۲۲.
۲۷. الکافی، ۱/۲۱۴ ح/۱.
۲۸. همان / ح/۲ و ۳.
۲۹. همان، ۲/۶۳ ح/۸.
۳۰. روایاتی به این مضمون در تفسیر برهان، ۲/۲۴۹ ذیل آیه یاد شده، آمده است.
۳۱. الکافی، ۱/۲۰۵ ح/۱.
۳۲. همان / ۲۰۸ ح/۱ و ۲.
۳۳. همان / ۱۴۶ ح/۱۱.
۳۴. همان / ۱۹۴ ح/۱.
۳۵. همان / ۱۸۵.
۳۶. همان / ۴۷.
۳۷. همان / ۱۹۴-۱۹۶ ح/۲ و ۳ و ۶.
۳۸. مارقه به گروه خوارج اطلاق شده است زیرا آنان از زیر بار بیعت خود با علی(ع) خارج شدند و علی(ع) در خطبه شمشقیة به این جهت درباره ایشان فرمود: «و مرقت اخرى» - نهج البلاغه / خطبه ۳ -.
۳۹. احتجاج طبرسی ۲/۳۲۴.
۴۰. تحف العقول، من کلام الباقر(ع) فی احکام السیوف؛ فروع کافی، کتاب الجهاد ۵/۱۰.
۴۱. بحار الانوار، ۵۳/۵۳؛ باب ۲۹ ح/۲ و ۵ و ۸ و ۹ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۳ به نقل از منتخب البصائر؛ با اختران تابناک ولایت شرح زیارت جامعه.
۴۲. توحید صدوق / ۱۶۸؛ ارشاد مفید / ۱۶۳؛ الفصول المهمة / ۲۱۴.
۴۳. الکافی، ۱/۲۱۰-۲۱۱ ح/۱ و ۷.
۴۴. همان.
۴۵. نورالثقلین، ۱/۷۲۴.